

حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات

نعمت‌الله صفری روشانی*

چکیده

کتاب عیون المعجزات از آثاری است که در ادامه تلاش برخی از امامیه برای اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام، از راه معجزات، در اوایل قرن پنجم هجری نگاشته شده است. این اثر به علل مختلفی همچون مضامین روایات آن و نیز شخصیت غیر معروف نویسنده تا قرن دوازدهم مورد بی‌توجهی محافل امامیه قرار گرفته بود؛ اما در این قرن و با رشد اخباری‌گری و توجه عامیانه اخباریان به این نوع رویکرد، این کتاب به سرعت جای خود را در مجامع اخباری و در کتاب‌هایی همچون بحارالانوار علامه مجلسی، اثبات الهداة شیخ حر عاملی و مدینه المعاجز: سید هاشم بحرانی باز کرده و پس از آن به سرعت، به رشد جایگاه خود ادامه داد؛ به گونه‌ای که نویسنده خود را - که شخصیتی مجهول بوده - به مقام فقیه و جلیل‌القدر ارتقا داد.

بررسی این اثر، علاوه بر کمک به شناخت برخی از باورهای عامیانه در مورد ائمه علیهم‌السلام در قرن پنجم، می‌تواند در آگاهی از برخی از جریانات امامیه در مناطق دور از مراکز تشیع مفید افتد. همچنین، بررسی اسناد و منابع این اثر - که بی‌بهره از آثار بزرگان مکتب قم، همانند شیخ صدوق و مکتب بغداد، همانند شیخ مفید علیه‌السلام است - می‌تواند این نکته را به اثبات برساند که جریانی که نویسنده این کتاب نماینده آن است، جریان سومی در امامیه بوده که مسیری جدا از مکتب نقل‌گرای قم و عقل‌گرای بغداد را برگزیده است.

کلید واژه‌ها: عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، دلائل الامامة، معجزه‌نگاری.

۱. شخصیت حسین بن عبدالوهاب

گرچه در کتب شرح حال نگاری متأخر امامیه، از این شخصیت به عنوان یکی از دانشمندان امامی قرن پنجم یاد شده و با اوصافی همچون «فقیه، شاعر، آگاه از اخبار و احادیث، دانشمند جلیل امامی»

* . محقق حوزه علمیه قم و استادیار مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه عالی امام خمینی علیه‌السلام).

ستوده شده است،^۱ اما باید دانست که از نظر قواعد رجالی، این شخصیت فردی ناشناخته و مجهول به حساب می‌آید؛ زیرا تنها منبع اطلاعاتی درباره او نوشته‌های وی و مشخصاً کتاب عیون المعجزات وی است؛ به عنوان مثال افندی (م حدود ۱۳۰۱ق)، صاحب ریاض العلماء حتی دوره زندگی او را از راه اطلاعات داده شده در این کتاب به دست آورده است؛ بدین ترتیب که از مشترک بودن او با بزرگانی همچون سید رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ق) و سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ق) در اساتیدی همچون ابوالتحف مصری، توانسته معاصرت وی با آن دو دانشمند امامی را ثابت کرده و حدود زندگانی وی را اوایل قرن پنجم حدس بزند؛ همچنان که با استفاده از این نکته که وی همچون شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق) با یک واسطه از هارون بن موسی تلکبری (م ۳۸۵ق) حدیث نقل می‌کند، توانسته معاصرت آن دو را ثابت کند.^۲

اما جالب آن است که نه تنها در هیچ یک از کتب رجالی و شرح حال نگاری امامیه معاصر وی، همچون نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق) اثری از نام او نمی‌بینیم، بلکه حتی تا قرن دوازدهم کوچک‌ترین اشاره‌ای به نام این شخصیت در نوشته‌های امامیه دیده نمی‌شود. حتی علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) که از کتاب عیون المعجزات وی بهره گرفته، نتوانسته به طور دقیق، مؤلف آن را مشخص سازد و ضمن آن که از قول، بعضی آن را به سید مرتضی نسبت می‌دهد، اما خود آن را نپذیرفته و با عبارت «لعله من مؤلفات بعض قدماء المحدثین»، عدم شناخت خود را از نویسنده معترف می‌شود.^۳

گسترده‌ترین اطلاعات درباره این شخصیت، برای اولین بار در قرن دوازدهم در کتاب ریاض العلماء افندی دیده می‌شود که او با دست‌یابی به نسخه‌ای کهن و با بهره‌گیری از مقدمه و متن آن، اطلاعات ذی‌قیمتی را عرضه می‌کند؛ از جمله این نکته را متذکر می‌شود که این کتاب تنها در مدت ۲۳ روز نگاشته شده است؛ زیرا مؤلف متذکر می‌شود که در تاریخ هفتم رمضان سال ۴۴۸ق، در شهر کازرون شروع به نگارش کرده و در عید فطر همان سال، آن را به پایان رسانیده است.^۴

از عبارات افندی روشن می‌شود که حتی در نام نویسنده کتاب عیون المعجزات اختلافات فراوانی وجود داشته، به گونه‌ای که وی با استفاده از تصریحات مؤلف کتاب می‌تواند نام «حسین بن عبدالوهاب» را برای وی ثابت کند.

وی همچنین، با استفاده از نشانی‌های داده شده در عیون المعجزات توانسته آثار دیگری همچون الهدایة الی الحق، البیان فی وجوه الحق فی الامامة و بصائر الدرجات فی تنزیه النبوات را برای نویسنده شمارش کند. وی همچنین، ضمن متذکر شدن کثرت مشایخ نویسنده، نام ده تن از آنها را از

۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۹؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۲ و ۸۳؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۵. عبارات چنین است: «کان من اجلة علمائنا... وکان بصیراً بالاخبار والاحادیث فقیهاً شاعراً مجیداً».

۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱.

۴. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۳.

قرار زیر برمی‌شمرد:

۱. ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم، معروف به ابوالتحف مصری که در سال ۴۱۵ق، در یکی از شهرهای فارسی به نام غنْدِجان از او حدیث شنیده است.^۵
۲. ابوعلی احمد بن یزید بن داداره،
۳. ابوالحسن احمد بن خضر مؤذن،
۴. ابوعبدالله کازارنی کاغذی،
۵. ابوالفنائم احمد بن منصور،
۶. ابوطاهر احمد بن حسین بن منصور حلاج،
۷. ابوالقاسم بندار بن حسین بن زوزان. که البته از نوشته‌های او نقل می‌کند.
۸. ابومحمد حسن بن محمد بن نصر،
۹. الاسعد ابونصر،
۱۰. قاضی ابوالحسن علی بن ودیع طبرانی.^۶

همچنین به این ده نفر، باید نام احمد بن محمد بن عبید الله، معروف به ابوعیاش جوهری (۴۰۱ ق) را اضافه نمود که در مواردی در کتاب خود، به شنیدن حدیث از او تصریح دارد. از این اطلاعات چنین به دست می‌آید که او در شهرهای مختلف فارسی همچون کازرون و غنْدِجان [بندگان استان فارس] ساکن بوده و از مشایخ این منطقه و مناطق همجوار، همچون اهواز بهره برده است.^۷

از آنجا که از میان کتب وی فقط *عیون المعجزات* در دسترس است، تنها از این راه این کتاب می‌توانیم به مقدار علمیت وی پی ببریم. از این رو، نیاز به بررسی دقیق‌تر محتوا و اسناد این کتاب احساس می‌شود.

۲. عیون المعجزات

۱ - ۲. جایگاه کتاب

چنان‌که اشاره شد، گرچه تا قرن دوازدهم هجری کمتر نشانه‌ای از این کتاب و نویسنده آن در آثار شیعی به دست می‌آید، اما از این به بعد، با کشف این اثر و تناسب آن با اخباری‌گری رایج در آن دوره و نیز هماهنگی موضوع آن با گرایش‌های کلامی این دوره دربارهٔ ائمه^{علیهم‌السلام}، این کتاب به شدت جای خود را در میان آثار اخباریان آن زمان پیدا کرد تا جایی که کم‌کم به عنوان یکی از منابع معتبر برخی

۵. *عیون المعجزات*، ص ۲۴.

۶. *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۱۲۴؛ *ایمان الشیعة*، ج ۶، ص ۸۳.

۷. دربارهٔ ابوالفنائم گفته شده است که در اهواز می‌زیسته است (*ایمان الشیعة*، ج ۶، ص ۸۳).

از آثار آنها درآمد و مطالب آن از منابع این دوره به منابع دوره‌های بعد راه یافته و به عنوان یکی از آثار شیعی در راه شناخت بیشتر مقامات ائمه علیهم‌السلام مورد استناد قرار گرفت؛ به عنوان مثال، در حالی که علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) نویسنده این اثر را نشانخته، آن را به عنوان یکی از مصادر کتاب بحارالانوار معرفی کرده و از آن با عنوان «کتاب لطیف» یاد کرده است.^۸

همچنین، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق)، در حالی که این کتاب را منسوب به سید مرتضی می‌داند، آن را به عنوان یکی از منابع خود در کتاب مدینه المعاجز به عنوان یکی از منابع معتبر خود معرفی کرده است.^۹

۲-۲. محتوا

شاید بتوان محتوای این کتاب را نمونه‌ای از باورهای عوامانه نهادینه شده شیعیان در قرن پنجم به شمار آورد که فرآیندی طولانی را از قرن دوم طی کرده و مراحل مختلف نظریه‌پردازی، حدیث‌سازی و بالأخره، به دست آوردن پشتوانه‌های کلامی را پشت سر گذاشته است. همان طور که از عنوان کتاب پیداست،^{۱۰} (عیون المعجزات، یعنی چشمه‌های معجزه)، این نوشته به منظور بیان معجزه‌ها و اعمال خارق العاده دوازده امام و نیز حضرت فاطمه علیها‌السلام نگاشته شده است.

انگیزه نگارش آن، طبق گفته نویسنده، مواجه شدن او با کتابی به نام تثبیت المعجزات، نوشته علی بن احمد، معروف به ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ق) صاحب کتاب الاستغاثه بود که گرچه در مقدمه آن وعده داده بود که در آغاز به ذکر معجزات پیامبران پرداخته و سپس به آوردن معجزات ائمه معصوم علیهم‌السلام اقدام می‌کند، اما نتوانسته بود به وعده خود در بخش دوم، یعنی بیان معجزات ائمه علیهم‌السلام وفا کند. از این رو، حسین بن عبد الوهاب، به زعم خود، درصدد تکمیل این کاستی برآمده و کتاب عیون المعجزات را به عنوان تتمه کتاب تثبیت المعجزات نگاشت.^{۱۱} انگیزه اصلی او اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام از راه بیان معجزات آنها بود که در اصطلاح آن زمان به آن دلائل الامامة گفته می‌شد.

از برخی از نسخه‌های خطی کتاب چنین برمی‌آید که حسین در این کتاب، به اختصار و حذف اسناد کتاب مفصل‌تر بصائر الدرجات فی تزیه النبوات اقدام کرده است که نویسنده آن نامعلوم بوده و احتمال آن که این کتاب نیز از خود وی باشد، احتمال ضعیفی نیست.^{۱۲}

اما نکته جالب، آن است که وی در مقدمه کتاب عیون المعجزات این مطلب را یادآور می‌شود که نوشته او حد وسطی میان دیدگاه‌های مرتفعه (غالیان) و مقصره است و سعی او بر آن بوده که هیچ

۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱.

۹. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۴۱.

۱۰. نام‌های دیگری همچون عیون المعجزات و فنون الکرامات المنتخب من بصائر الدرجات، فنون المعجزات المنتخب من بصائر الدرجات و الانوار المحمدیه نیز برای این نوشته ذکر شده است. ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۸۳.

۱۱. عیون المعجزات، ص ۷ و ۸ (مقدمه محقق).

۱۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۸۳.

روایتی را که ناقل آن تنها افراد یکی از دو دسته باشند، نقل نکند. همچنین، متذکر می‌شود که در کتاب دیگرش، به نام الهدایة الی الحق، روایاتی را که در حقایق توحید خداوند و عدل و حکمت است آورده که ظاهراً در تقابل با دیدگاه‌های غالیان و باطنیه است.^{۱۳}

به هر حال، در این کتاب، نویسنده بدون آن که عنوان و شماره‌بندی کند، به ترتیب، در بخش‌های دوازده‌گانه به ذکر معجزات معصومان سیزده‌گانه (دوازده امام و حضرت فاطمه علیها السلام) پرداخته^{۱۴} و در آغاز برخی از بخش‌ها از این معجزات با عنوان دلائل امامت آن امام و براهین آن یاد کرده است که نمایانگر نوع تلقی بخشی از جامعه شیعه در آن زمان در راه اثبات امامت ائمه است.

نویسنده سعی کرده تا در بیشتر مواردی با ذکر سلسله اسناد و یا ذکر انتهای سند، به نقل معجزه از زبان اصحاب معصومان علیهم السلام بپردازد و در این زمینه، گرچه می‌توان روایات فراوانی از این کتاب را در نوشته‌های پیشینیان او، همچون نوشته‌های صفار، عبدالله بن جعفر، حمیری و محمد بن همام اسکافی یافت، اما در مسیر تاریخی این بحث، با کمال تعجب به گزارش‌هایی برخورد می‌کنیم که برای اولین بار در آثار موجود شیعیان یافت شده است که البته نمی‌توان به صورت قطعی نویسنده را خالق آنها دانست، بلکه احتمال معقول‌تر آن است که آنها را بخشی از آثار موجود در میان شیعیان بدانیم که از سوی پیشینیان به علل مختلف پالایش شده و در کتب آنها نیامده است؛ اما نویسنده - که آنها را برای مقصود خود بسیار مناسب دیده و در قید و بند نقادی نبوده - به بیان آنها پرداخته است. شاید به همین علت، یعنی رسوخ روایات عجیب و غریب و منافی با برخی از آموزه‌های رایج آن در محافل کلامی و اعتقادی شیعه بوده که این نوشته مورد کم لطفی جامعه علمی شیعه قرار گرفته بود؛ به گونه‌ای که تا قرن دوازدهم نشانه‌ای از آن در جامعه علمی شیعه هویدا نبود و در این قرن و با رواج افکار اخباری‌گری، چنین نوشته‌هایی با نویسندگانی مجهول، قرب و منزلت پیدا کرد.

گرچه می‌توان این احتمال را معقول دانست که به سبب دوری نویسنده از مراکز علمی همچون قم و بغداد، این کتاب در اختیار آنان قرار نگرفته است تا درباره آن نظر دهند. عدم ذکر نام نویسنده در رجال نجاشی نیز می‌تواند ناشی از همین امر باشد و الا برخی از نگاهت‌های مشابه و یا تندتر از این کتاب، در این محافل، مورد توجه بیشتر قرار گرفته‌اند.

اگر بخواهیم در مجموع، مشخصات چنین نوشته‌هایی را برشماریم، می‌توانیم از ویژگی‌هایی همچون پرورش داستان‌ها به شکل عامیانه، استفاده از سبک داستان سرایی، متمایل شدن به سمت الوهیت ائمه علیهم السلام، ساختن اصحاب خیالی برای ائمه علیهم السلام، آوردن اسامی عجیب و غریب و نامأنوس برای قهرمانان داستان‌ها، به کاربردن ادبیات غیر مؤدبانه و توهین‌آمیز و انتساب آن به امام معصوم علیه السلام، وجود تناقضات درونی در برخی از روایات، به کار بردن اعداد و ارقام غلوآمیز مورد علاقه عوام، سعی

۱۳. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۳.

۱۴. امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در یک باب آورده است.

در تأیید امامت ائمه علیهم السلام با استفاده از همه عناصر عالم تکوین همچون خورشید، ماه، سنگ و درخت و به هم ریختن تمامی مرزهای علوم طبیعی و بی‌خاصیت کردن تمامی قوانین طبیعت در این راه و بالأخره، استفاده از روایان مخالف ائمه علیهم السلام برای هر چه بیشتر جلوه دادن داستان‌های ساختگی در نظر عوام، یاد کنیم.

این اوصاف است که این کتاب را تا قرن پنجم هجری در اوج و قله نوشته‌های این چینی، با استفاده از روش فرا تاریخی و ساختن معجزات و انتساب آن به ائمه مختلف برای اثبات امامت ائمه علیهم السلام نزد عوام قرار می‌دهد.

البته منصفانه باید این نکته را متذکر شویم که حتی در نوشته‌های این چینی - که با رویکردی افراطی و عوامانه نگارش یافته - موارد و روایات فراوانی را می‌توان یافت که نسبتاً معقول و پذیرفتنی می‌نماید و از آنها می‌توان در بازسازی صحیح سیره امامان علیهم السلام بهره گرفت؛ همچنان که در موارد فراوانی - که عمدتاً مربوط به پس از امام علی علیه السلام است - می‌توان نکات تاریخی پذیرفتنی را پیدا کرد، بویژه با توجه به آن‌که روش نویسنده درباره معصومان پس از امام علی علیه السلام آن است که در آغاز، به صورت بسیار مختصر به ذکر تاریخچه‌ای مشتمل بر کیفیت تولد و زمان، مدت عمر و وفات و کیفیت و نیز محل دفن معصومان اقدام می‌کند.

به عنوان مثال، توجه به این نکته جالب است که گزارش او از وفات امامانی همچون امام سجاده علیه السلام،^{۱۵} امام باقر علیه السلام،^{۱۶} امام صادق علیه السلام،^{۱۷} امام هادی علیه السلام،^{۱۸} و امام حسن عسکری علیه السلام،^{۱۹} به گونه‌ای است که مرگ طبیعی آنها را به ذهن متبادر می‌سازد؛ همچنان که به صورت مفصل، روایات کیفیت شهادت امامانی چون امام حسن،^{۲۰} امام کاظم علیه السلام،^{۲۱} امام رضا علیه السلام،^{۲۲} و امام جواد علیه السلام،^{۲۳} را ذکر کرده است.

همچنین، توجه به این نکته جالب است که نویسنده، طبق روایتی - که از آن با لفظ «روی» یاد کرده - این نکته را متذکر می‌شود که طبق برخی از نقل‌ها مدفن امام حسن علیه السلام در کنار مادرش فاطمه علیه السلام است.^{۲۴} وی بدین ترتیب، مجهول بودن قبر آن حضرت علیه السلام را زیر سؤال می‌برد.

۱۵. همان، ص ۸۳-۸۵.

۱۶. همان، ص ۷.

۱۷. همان، ص ۷۹.

۱۸. همان، ص ۸۷.

۱۹. همان، ص ۱۲۱.

۲۰. همان، ص ۶۲ و ۶۳.

۲۱. همان، ص ۹۸.

۲۲. همان، ص ۱۰۳.

۲۳. همان، ص ۱۱۶.

۲۴. همان، ص ۶۴.

تلاش برمکیان برای بدبین ساختن نسبت به امام رضا^ع و منقرض شدن آنها به دعای آن حضرت^ع به جهت اعمال قبلی آنها،^{۲۵} از دیگر نکات تاریخی جالب توجه در این کتاب است. از مهم‌ترین نکات مبهم در این کتاب، آن است که در میان وکلای امام زمان(عج) فقط از وکیل اول نام می‌برد^{۲۶} و هیچ‌گونه اشاره‌ای به دیگر وکلا ندارد.

۳. اسناد و منابع

۱ - ۳. اسناد

گرچه، چنان که اشاره شد، طبق مقدمه برخی از نسخه‌های خطی کتاب، نویسنده قصد حذف اسناد روایات و اختصارسازی کتاب بصائر الدرجات فی تزیه النبوات را داشته است، اما در موارد فراوان، بویژه در بخش مربوط به امام علی^ع، شاهد نقل روایات همراه با اسناد آن هستیم.

این نکته، علاوه بر این که ما را در شناخت چگونگی اسناد این کتاب یاری می‌کند، می‌تواند شناخت اجمالی درباره اسناد کتاب بصائر الدرجات را - که هم اکنون مفقود بوده و نویسنده به آن اسناد فراوانی دارد - در اختیار پژوهشگر قرار دهد.

مهم‌ترین نکته درباره اسناد نویسنده، مشایخ بی واسطه او هستند که در آغاز به ذکر نام یازده تن از آنها پرداختیم.

از میان این مشایخ، مشهورترین آنها احمد بن محمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری (م ۴۰۱ق) است که در کتب رجالی از پدر و جدش به عنوان بزرگان بغداد یاد شده است.^{۲۷}

بیشترین اطلاعات درباره این شخصیت را می‌توانیم از نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق) به دست آوریم که احمد را به عنوان دوست خود و پدرش معرفی کرده و با عباراتی همچون «کان من اهل العلم والادب القوی، طیب الشعر وحسن الخط» او را ستوده است. نجاشی، ضمن برشمردن کتب مختلف او، این نکته را یادآور می‌شود که «او احادیث بسیاری در حفظ داشت که من نیز از او احادیث فراوان شنیدم».

اما پس از این همه، یادآور می‌شود که او «در پایان عمرش دچار اضطراب^{۲۸} شد و من شیوخ امامیه را می‌دیدم که او را تضعیف می‌کنند از این رو، من [با آن که احادیث فراوانی از او شنیده بودم] از ذکر روایاتی که از او شنیده‌ام، اجتناب می‌کنم».^{۲۹}

۲۵. همان، ص ۹۹ و ۱۰۰.

۲۶. همان، ص ۱۳۰، (ان کتبه و ترقعانه [صاحب الزمان (عج)] کانت تخرج علی ید ابی عمر و عثمان العمری الی الشیعة بالعراق مدّة).

۲۷. رجال النجاشی، ص ۸۵ و ۸۶؛ الفهرست، ص ۷۹ و ۸۰ و نیز ر.ک: جامع الرواق ج ۱، ص ۶۸؛ مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، مقدمه لطف الله صافی.

۲۸. عبارت شیخ طوسی در الفهرست، (ص ۷۹) «اختلف» است که احتمالاً اشاره به اختلال حواس و نه انحراف فکری باشد.

۲۹. رجال النجاشی، ص ۸۵ و ۸۶، عبارات وی چنین است: «کان سمع الحدیث و اکثر واضطرب فی آخر عمره... و سمعت منه شیئا»

گذشته از جوهری، متأسفانه عمده مشایخ دیگر مؤلف مجهول بوده و در کتب رجال و تراجم، حتی به اندازه یک سطر، اطلاعاتی درباره آنها وجود ندارد.

ناشناخته بودن این مشایخ، به گونه‌ای است که در برخی از نوشته‌ها، تنها اطلاعی که درباره برخی از آنها همانند «الاسعد ابونصر» ارائه شده، آن است که وی از مشایخ حسین بن عبدالوهاب بوده است.^{۳۰} از میان این مشایخ، بجز ابوعیاش جوهری، بیشترین اطلاعات درباره ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن حسن بن طیب مصری، معروف به ابوالتحف (یا ابوالتحف)^{۳۱} مصری است که اطلاعات ارائه شده، شامل ذکر نام تنی چند از استادان وی و نیز برشمردن سید مرتضی و سید رضی در شمار شاگردانش است. و این در حالی است که مذهب او، یعنی امامی بودنش، از سوی شرح‌حال‌نویسان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که با عبارت «الظاهر انه من الخاصة»، این ابهام خود را ابراز کرده‌اند.^{۳۲}

به نظر می‌رسد این ناشناخته بودن نویسنده و مشایخش، با توجه به محل سکونت وی، یعنی فارس - که در آن زمان از مراکز علمی تشیع نبوده است - به خوبی قابل توجیه باشد، بویژه با توجه به آن‌که از نوشته نویسنده چنین برمی‌آید که مسافرتی به مراکز علمی آن زمان تشیع، همانند کوفه، بغداد، قم و ری نداشته است.

نکته جالبی که در این زمینه می‌توانیم به آن اشاره کنیم، آن است که انتشار چنین نوشته‌هایی در محیطی غیر شیعی، این فرضیه را تأیید می‌کند که قشر نه چندان دانشمند شیعه، با استفاده از این‌گونه معجزات عوام‌پسند، درصدد نفوذ در میان توده مردم برای جذب آنها به تشیع بوده‌اند و از این‌رو، تقید چندان‌نی به صحت اسناد و بهره‌گیری از اسناد معتبر و شناخته شده در محافل علمی شیعی نداشته‌اند. نیز می‌توانیم فراوانی نام‌های علمای اهل سنت در آغاز برخی از اسناد و نیز در لابه‌لای آنها را شاهد بیاوریم که این‌گونه نام‌ها بیشتر در بخش‌های اولیه، بویژه بخش مربوط به امام علی علیه السلام وجود داشته و می‌توانسته گام اولیه و محکمی برای جذب توده مردم به ولایت و امامت آن حضرت علیه السلام تلقی شود. وجود افراد متهم به غلو، همچون ابوسمینه محمد بن علی صیرفی،^{۳۳} یونس بن ظبیان^{۳۴} و داود بن کثیر رقی^{۳۵} در لابه‌لای برخی از اسناد، از دیگر نکات جالب توجه است.

همچنین باید این نکته را متذکر شد که علاوه بر وجود افراد فراوان مجهول در میان اسناد، حتی

↔ کثیراً و رأیت شیوخنا یضعفونه فلم اروعنه شیئاً و تجنبته».

۳۰. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۲۷.

۳۱. همان، ص ۳۰۹.

۳۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۱۶.

۳۳. ابن عیون المعجزات عبد الوهاب، ص ۱۳.

۳۴. همان، ص ۸۰.

۳۵. همان، ص ۸۵.

در بخش انتهایی سند، یعنی ناقل مستقیم گزارش، به مواردی برخورد کنیم که چه از نظر رجالی و چه از جهت تاریخی، افراد ناشناخته‌ای هستند که از آن جمله می‌توانیم از افرادی همچون محمد بن اسقنطری - که به عنوان یکی از یاران نزدیک منصور که از دستداران امام صادق علیه السلام بوده، معرفی شده است - ^{۳۶} و نیز صبیح الدیلمی - که به عنوان غلام خاص مأمون که هرثمة بن اعین از او روایت نقل می‌کند، معرفی شده است - ^{۳۷} نام ببریم.

حذف نام‌های افراد واقع در وسط اسناد - که از آن به «رفع» تعبیر می‌شود - از دیگر ویژگی‌های این کتاب است که ارزش سندی آن را کمتر کرده است؛ ^{۳۸} همچنان‌که نقل روایات با صیغه مجهول «رُوی» ^{۳۹} از دیگر نقاط ضعف این نوشته است.

از دیگر نکات جالب توجه در این کتاب، طبق معمول این نوشته‌ها، نقل اندک از شخصیت‌های بزرگ اصحاب ائمه علیهم السلام همچون زرارة، برید بن معاویه، و یونس بن عبدالرحمان است؛ به گونه‌ای که در موارد بسیار اندک، به نام کسانی همچون محمد بن مسلم ^{۴۰} در روایات آن برخورد می‌کنیم. البته این احتمال نیز ابراز شده که حتی بنا بر فرض پذیرش کرامت از جانب معصومان علیهم السلام می‌توان گفت که این روش در مواجهه با عالمان و فرهیختگانی همچون زراره و محمد بن مسلم به کار گرفته نمی‌شده است؛ بلکه در برخورد با توده عوام و یا طبقات غیر فرهیخته بوده است.

۲ - ۳. منابع

از لابه‌لای نوشته‌های این اثر، چنین برمی‌آید که نویسنده به آثار فراوانی دسترسی داشته و از آنها بهره برداری می‌کرده است؛ چنان‌که خود در مواردی با عبارت «قرأت فی کتب کثیرة»، ^{۴۱} این نکته را یادآور می‌شود.

همچنین از بررسی دقیق‌تر، به این نکته می‌رسیم که نویسنده به دو گونه ما را به منابع خود راهنمایی کرده است؛ بدین ترتیب که گاهی به نام منبع مورد استفاده تصریح کرده، و گاهی نام نویسنده منبع را در آغاز سند ذکر کرده و با عبارت «بأسناد» به حذف اسناد او پرداخته است؛ بدون آن‌که به نام کتاب وی تصریح کند.

از موارد گونه اول می‌توانیم کتاب بصائر الدرجات را نام ببریم که نویسنده، در موارد فراوان، به عنوان منبع خود به آن اشاره کرده است. ^{۴۲}

۳۶. همان، ص ۸۳.

۳۷. همان، ص ۱۰۱.

۳۸. به عنوان مثال ر.ک: همان، ص ۱۷، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۷۲، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۹۲.

۳۹. به عنوان مثال ر.ک: همان، ص ۱۲، ۴۱، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۵۹، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۳۱.

۴۰. همان، ص ۸۲ و ۸۱.

۴۱. همان، ص ۱۲۶ همچنین ص ۵۵ (وحدت هذه الحكایات فی کتاب الانوار و فی کتب کثیرة).

۴۲. به عنوان مثال: همان، ص ۶۰، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۵.

گرچه نام بصائر الدرجات، مشترک میان کتاب محتمل النسبه به او و نیز کتاب بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار است، و این گونه موارد، محتمل الطرفين است، اما با توجه به عدم ذکر عبارت «فی تنزیه النبوات» - که دنباله این کتاب اول است - و نیز با عنایت به این که کل کتاب عیون، مختصر یافته بصائر الدرجات فی تنزیه النبوات است و در چنین مواردی معمول، آن نیست که فقط در برخی از موارد به نام آن اشاره کنند و نیز با توجه به تطبیق برخی از موارد یاد شده با روایات موجود در بصائر الدرجات صفار^{۴۳} می توان احتمال دوم را بیشتر تقویت کرد.

کتاب الکافی محمد بن یعقوب کلینی از دیگر کتبی است که نویسنده در یک مورد از آن استفاده کرده و به نام آن تصریح می کند.^{۴۴} هم چنین از کتاب الانساب قریش، تألیف ابوالحسن نسابه در یک مورد و آن هم از نسخه خطی مؤلف^{۴۵} بهره برده است.^{۴۶}

کتاب الوصایا - که ابن عبد الوهاب با ظاهر تردید آمیز آن را منسوب به ابوالحسن علی بن محمد بن زیاد صیمری می کند - از دیگر منابع این نوشته است.^{۴۷} جالب آن است که در کتابشناسی های معاصر، درباره این کتاب اطلاعاتی به جز مطلب فوق الذکر ارائه نشده است.^{۴۸}

کتاب الانوار از منابعی است که نویسنده، مطالب بیشتری را از آن نقل می کند.^{۴۹} نظر برخی از معاصران این است که این کتاب، همان کتاب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار ابوعلی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل (۲۵۸ - ۳۳۶ق) است؛^{۵۰} اما به نظر می رسد، با توجه به نوع مطالب نقل شده - که عمدتاً مطالب عجیب و غریب و غیر پذیرفتنی است و نیز با عنایت به شخصیت وزین محمد بن همام^{۵۱} و نیز با لحاظ مطالب موجود در کتاب منتخب الانوار او - که هم اکنون در دسترس است -^{۵۲} نمی توان این کتاب را از ابن همام دانست و مناسب تر آن است که آن را همان کتاب الانوار محمد بن علی شلمغانی^{۵۳} بدانیم، بویژه آن که مطالب نقل شده با نوع شخصیت شلمغانی^{۵۴} سازگارتر است.

۴۳. به عنوان مثال: قس عیون المعجزات، ص ۷۹ با بصائر الدرجات، ص ۱۱۶.

۴۴. عیون المعجزات، ص ۱۱.

۴۵. همان، ص ۵۱.

۴۶. آقا بزرگ تهرانی او را صاحب المجدی فی انساب الطالبین می داند (الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۵).

۴۷. عیون المعجزات، ص ۹۷ و ۱۲۶.

۴۸. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۳.

۴۹. عیون المعجزات، ص ۱۵ - ۲۲ - ۴۴ و ۵۷.

۵۰. الذریعة، ج ۴، ص ۳۸۵.

۵۱. به عنوان مثال، ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۷۹؛ الفهرست، ص ۲۱۷.

۵۲. این کتاب با تحقیق و استدراک، توسط علی رضا هزار در سال ۱۴۲۲ق، در انتشارات دلیل ما در قم به چاپ رسیده است.

۵۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۸؛ الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵۴. برای اطلاع بیشتر از این شخصیت، ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۵۰؛ خاندان

از موارد گونه دوم (یعنی مواردی که مؤلف به نام کتاب تصریح نکرده و فقط به ذکر نام نویسنده و اسناد او بسنده کرده است)، می‌توان از کتاب اخباری و مورخ بزرگ بصره، یعنی ابوعبدالله محمد بن زکریا، معروف به غلابی^{۵۵} یاد کرد که مؤلف در بخش حضرت فاطمه^{علیها السلام} با عبارت «فی کتاب له» روایات فراوانی را از طریق او از راویان اهل سنت نقل کرده است.^{۵۶}

به احتمال قریب به یقین، منظور از این کتاب، کتاب اخبار فاطمة و منشاها و مولدها^{۵۷} است که با توجه به مفقود شدن این کتاب، می‌توان از این طریق، به بخشی از مطالب آن دست یافت و این نکته‌ای است که بر اهمیت کتاب عبود المعجزات می‌افزاید.

حسین بن حمدان خصیبی جنبلایی (م ۳۵۸ق)، شخصیت جتجالی قرن چهارم،^{۵۸} دیگر مؤلفی است که نویسنده در یک مورد - که مربوط به ماجرای شهادت امام رضا^{علیه السلام} است - گزارش مفصلی از او نقل کرده است.^{۵۹} همین گزارش، با اختلافاتی اندک از جهت سند و متن، در کتاب الهدایة الکبری چاپ شده خصیبی موجود است.^{۶۰}

همین یک مورد، برای اثبات این نکته کافی است که کتاب خصیبی در قرن پنجم در میان جوامع عوامانه امامیه شناخته شده بوده است. این در حالی است که در میان جوامع علمی امامیه نویسنده و آثار او به علت گرایش‌های غالیانه‌اش و نیز تمایل او به شخصیت منفوری همچون محمد بن نصیر نمیری^{۶۱} مطرود شده بود و تا قرن‌ها بعد مورد بی‌توجهی کامل محافل علمی امامیه قرار داشت و احیای مجدد آن همچون بسیاری از نوشته‌های این چنینی در قرن دوازدهم و در پرتو رشد جریان اخباری‌گری و نیز توجه به کتب معجزه‌نگاری توسط شخصیت‌هایی همچون شیخ حر عاملی در اثبات الهداة و سید هاشم بحرانی در مدینه المعاجز صورت گرفت.

عبدالله بن جعفر حمیری (م پس از ۲۹۰ق) از دیگر محدثان امامی متقدم است^{۶۲} که روایات او مورد توجه مؤلف قرار گرفته و در مواردی، به صورت مستقیم، از آن نقل کرده است^{۶۳} که ظاهر در استفاده از کتب اوست.

﴿ نویختی، ۲۲۶-۲۲۸.﴾

۵۵. برای اطلاع از شرح حال او، ر.ک: رجال النجاشی، ص ۵۵؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۱۴.

۵۶. عبود المعجزات، ص ۵۲-۵۷.

۵۷. رجال النجاشی، ص ۵۵.

۵۸. برای اطلاع از احوال این شخصیت، ر.ک: «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری»، صفری، نعمت الله، مجله طلوع، شماره ۱۶، ص ۱۵-۴۶.

۵۹. عبود المعجزات، ص ۱۰۳-۱۰۷.

۶۰. الهدایة الکبری، ص ۲۸۲-۲۸۶.

۶۱. برای اطلاع از احوال این شخصیت و جایگاهش در میان امامیه، ر.ک: کتاب الغیبة، ص ۲۴۴؛ فرق الشيعة، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ بحار الاتوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ و ۳۶۸.

۶۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ الفهرست، ص ۱۶۸؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۸.

۶۳. به عنوان مثال: عبود المعجزات، ص ۱۱۸ و ۱۲۲.

به نظر می‌رسد با توجه به تناسب موضوع، مطالب نقل شده از کتاب الدلائل^{۶۴} اوست که از نخستین آثار نوشته شده در دلایل انگاری از سوی امامیه به شمار می‌رود.
در پایان این بحث، مناسب است به این نکته اشاره شود که در این کتاب نشانه‌ای از آثار دانشمندانی همچون شیخ صدوق، محمد بن ابی زینب نعمانی، و شیخ مفید نیست که این می‌تواند ناشی از اطلاع اندک نویسنده و یا عدم توجه او به آثار معتدل‌تر دانشمندان امامی مکتب قم و بغداد باشد.

کتابنامه

- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن حر عاملی، تعلیق: ابوطالب تجلیل تبریزی، قم: مکتبه المحلاتی، ۱۳۸۳ ش.
- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ (قطع رحلی).
- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، محمد بن حسن صفار، تصحیح: میرزا حسن کوجه‌باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی، دوم، ۱۳۷۴.
- «حسین بن حمدان خصیبه و کتاب الهدایة الكبرى»، نعمت‌الله صفری، مجله طلوع، ش ۱۶.
- جامع الرواة وازاحة الاشبهات عن الطرق والامناء، محمد بن علی اردبیلی، قم: کتابخانه آیة‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
- خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری، سوم، ۱۳۵۷.
- الذریعة الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ ق.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۴۱۸ ق.
- ریاض العلماء وریاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق: سید احمد الحسینی، قم: مکتبه النخیام.
- عیون المعجزات، حسین ابن عبدالوهاب، قم: منشورات الشریف الرضی.
- فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی، تعلیق: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه، چهارم، ۱۳۸۸ ق.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، اول، ۱۴۱۷ ق.

- کتاب الغیبة، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، قم: کتابفروشی بصیری، دوم، ۱۴۰۸ق.
- مدينة المعاجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، سید هاشم بحرانی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، ۱۴۱۳ق.
- معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة سید ابوالقاسم خویی، قم: مرکز نشر آثار الشیعہ، چهارم، ۱۴۱۰ق.
- مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، احمد بن محمد بن عبیدالله ابن عیاش جوهری، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مقدمه لطف الله صافی، قم: مکتبه طباطبائی.
- منتخب الانوار، محمد بن همام اسکافی، تحقیق: علی رضا هزار، قم: انتشارات دلیل ما، اول، ۱۴۲۲ق.
- الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، [بیروت یا دمشق؟]: مؤسسه البلاغ للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی